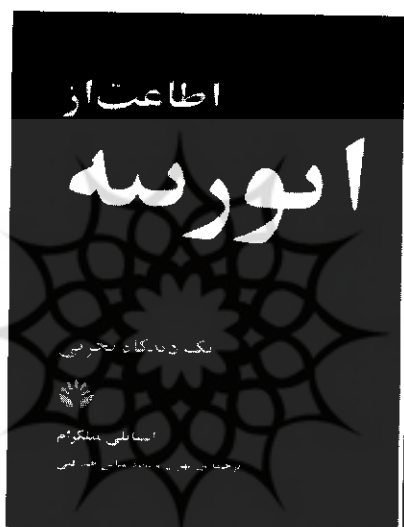


# نیمه‌ی تاریک و نه چندان دلربای وجود انسانی



○ اطاعت از اتوریته؛ یک دیدگاه تجربی  
○ استانی میلگرام  
○ مهران پاینده و عباس خدافل  
○ نشر اختران  
○ زمستان ۱۳۸۱، ۲۲۰۰ نسخه، ۲۷۹ صفحه

○ محمدرضا جوادی یگانه  
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه  
تربیت مدرس

گفتار، قدردانی، پیوست‌ها، پی‌نوشت و کتابنامه، شامل پانزده فصل است که در فصل اول به طرح مسأله تحقیق می‌پردازد، فصول دوم تا نهم به روش تحقیق و یافته‌های آن می‌پردازد و فصول دهم تا سیزدهم به دنبال آرایه یک مدل نظری برای تبیین یافته‌های تحقیق است. فصل چهاردهم نقدهای روشی تحقیق را پاسخ می‌گوید و در فصل پانزدهم، اطاعت از اتوریته را به مسائل دنیای حاضر پیوند می‌زند.

## طرح مسئله

چنانچه موضوع انهدام صدها هزار یهودی در اتاق گاز در آشویتس و سایر اردوگاه‌ها در آلمان نازی، شایعه ساخته شده توسط یهودیان باشد، باز هم آنقدر تاریخ بشریت شواهد دردناک از اطاعت انسان از دستورات غیرمنصفانه و ناعادلانه دارد که کوره‌های آدم سوزی تنها نمونه نیست. سؤال اساسی میلگرام این است که انسان‌ها چگونه از فرمانی که با وجدان آنها در تناقض است اطاعت

درشت سال‌های اخیر و بالاخره حمله تروریستی یازدهم سپتامبر. پس از جنگ جهانی دوم، استانی میلگرام (Stanley Milgram) روانشناس اجتماعی برجسته، متأثر از جو سال‌های پس از جنگ که بیشترین میزان تلفات را در طول تاریخ بشر داشته است، در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳، در دانشگاه ییل (Yale) دست به سلسله آزمایش‌هایی زد تا به این سؤال پاسخ گوید که «چرا، چگونه و چقدر انسان‌ها حاضرند از دستوراتی اطاعت کنند که با وجدان آنها در تعارض است» و حاصل آن کتاب «اطاعت از اتوریته؛ یک دیدگاه تجربی» (View)

(Authority: An Experimental) است. او در این کتاب، مبنای نظری، روش کار و یافته‌های خود را به صورت مفصل شرح داده و در انتها نیز به منتقدان خود پاسخ داده است. این مقاله شامل شرح مختصری از کتاب و نیز نقدهایی (عمدتاً) بر ترجمه‌ی آن است. کتاب میلگرام، علاوه بر پیش

زمانی که سیدحسن تقی‌زاده، مجری امضای قرارداد ۱۹۳۳، در جو آزادیخواهانه سال‌های ملی شدن صنعت نفت، هنگام بررسی اعتبارنامه‌اش در مجلس چهاردهم علت امضای این قرارداد را «المأمور معذور» عنوان کرد، بسیاری بر او خرده گرفتند و این جمله وی اکنون ضرب‌المثل بسیاری افراد است که معتقدند هیچ چیز نمی‌تواند رافع مسئولیت انسانی باشد و تقی‌زاده می‌بایست تحت هر شرایطی، از تمهید امضای قرارداد سرباز می‌زد و منافع ملی ایران را در نظر می‌گرفت. وقایع قرن بیستم، شواهدی برای جمله «المأمور معذور» فراهم می‌کند که باعث شرمساری بشریت است: جنگ جهانی دوم و کشتار میلیون‌ها انسان (چه در اردوگاه‌های نازی و چه در بمباران هیروشیما و ناکازاکی)، جنگ ویتنام و قتل عام هزاران ویتنامی (از جمله قتل عام زنان و کودکان شیرخوار در دهکده می‌لای)، قتل عام فلسطینیان در اردوگاه‌های صبرا، شتیلا و جنین، جنگ‌های ریز و

## شخصی که وارد یک سیستم اتوریته می شود، به طور مشخص دیگر خود را چون شخصی که در پی اهداف خویش است، نمی انگارد، بلکه به تدریج خود را

### عامل اجرای فرمان شخصیت دیگری می بیند



## معمولاً اطاعت از اتوریته،

### در ساختارهای نهادی پاداش می گیرد و برای فرد ترفیع ایجاد می کند

می کنند؟ از زمان افلاطون تاکنون پاسخ های متعددی به اینکه انسان باید اطاعت کند یا خیر داده شده، ولی این پاسخ ها نظری هستند و میلگرام به دنبال بررسی تجربی این موضوع بوده است و این که چه عوامل موقعیتی و شخصیتی می توانند مسأله اطاعت از اتوریته را کم یا زیاد کنند. چگونه است فردی با احساسات انسانی و انزجار از ارتکاب اعمال مجرمانه، به عنوان یک سرباز می تواند دستور قتل دیگران را که یک منبع اقتدار (همچون فرمانده) صادر می کند اجرا نماید.

### روش تحقیق

میلگرام موقعیت آزمایشگاهی ای ترتیب داد تا در آن هدف اصلی آزمایش پوشیده بماند. نمونه او دانشجویان دانشگاه ییل و ساکنان شهر نیوهون بودند. او یک آگهی در روزنامه داد تا افراد متمایل به شرکت در آزمایش «حافظه و یادگیری» را پیدا کند. این افراد با گرفتن ۴ دلار (بعلاوه ۵۰ سنت هزینه رفت و آمد) پس از پر کردن درخواست کتبی ذیل آگهی و فرستادن آن برای میلگرام در دانشکده روانشناسی دانشگاه ییل، در آزمایش وارد می شدند. در ابتدا آزمایشگر برای آزمودنی و یک نفر دیگر (که ظاهراً او هم با گرفتن پول در آزمایش شرکت کرده بود و در واقع همدست آزمایشگر بود) مبنای نظری تأثیر مجازات بر افزایش یادگیری را بیان می کرد و آنگاه یک نفر را به تصادف به عنوان معلم و نفر دوم را به عنوان شاگرد انتخاب می کرد (ترتیب کار به گونه ای داده شده بود که همیشه آزمودنی به عنوان معلم و همدست آزمایشگر به عنوان شاگرد انتخاب شوند). برای

مجازات شاگرد، از یک دستگاه مولد شوک استفاده شده بود که دامنه ای از ۱۵ تا ۴۵۰ ولت داشت و معلم موظف بود در صورت پاسخ اشتباه شاگرد، هر بار ۱۵ ولت، میزان شوک را بالا ببرد و با رسیدن به ۴۵۰ ولت دوبار آن را تکرار کرده و آزمایش را خاتمه دهد. برای نشان دادن واقعی بودن شوک، یک بار شوک ۴۵ ولتی به معلم (آزمودنی) داده می شد. این شوک ها در دامنه ۳۰ کلیدی (کلید اول برای ۱۵ ولت و کلید ۳۰ برای ۴۵۰ ولت) تعبیه شده بود و در برابر هر دسته از کلیدها میزان خطرناک بودن آن نیز ذکر شده بود: ضعیف... شوک شدید، شوک با شدت بسیار زیاد، خطر: شوک جدی، و XXX. آزمایشگر در صورت توقف و سرباز زدن معلم (یا آزمودنی) از او می خواست که به آزمایش ادامه دهد. جمله های محرک طراحی شده به گونه ای بود که اقتدار یا اتوریته وی را نشان می داد و در آن اطاعت اجباری از آزمودنی طلب می شد (جمله ای مانند: چاره دیگری ندارید، باید ادامه دهید). شاگرد یا قربانی (در واقع همدست آزمایشگر) نیز به تناسب شوک های وارد شده از خود واکنش نشان می داد. ناله خفیف (در زمان وارد شدن شوک ۷۵ ولتی) شروع این واکنش بود و بعد از آن با واکنش هایی چون درخواست برای اتمام آزمایش (در زمان وارد شدن شوک ۱۵۰ ولتی)، از شدت عذاب نعره کشیدن (در زمان وارد شدن شوک ۳۱۵ ولتی) و تا سکوت قربانی پس از آن (به معنای از حال رفتن یا مرگ احتمالی او) ادامه می یافت و البته تمام واکنش های همدست آزمایشگر (قربانی) نمایشی بود. با خودداری معلم از شوک دادن (در هر مرحله ای از آزمایش که بود و پس از بیان جملات

محرک و باز هم خودداری معلم یا آزمودنی) یا رسیدن به آخرین مرحله (۴۵۰ ولتی) و دوبار تکرار آن، آزمایش پایان می یافت. پس از پایان آزمایش، نمایشی بودن شوک ها و نیز قصد از آزمایش توضیح داده می شد. و پرسشنامه و مصاحبه ای از حالات، رفتار و تأثیر این آزمایش از آزمودنی گرفته می شد. پس از اتمام کل کار هم، یک نسخه گزارش کامل آزمایش به همراه یک تقدیرنامه به آزمودنی ها داده شد. هدف اصلی میلگرام در این آزمایش دانستن این بود که آزمودنی ها در شرایط متفاوت، تا چه حد آزمایش را ادامه خواهند داد و اصولاً واکنش آنها به آزمایش چیست.

### رفتار مورد انتظار

یک بخش مهم از تحقیق این بود که مشخص شود افراد تا چه اندازه از نتایج آزمایش (و میزان اطاعت مردم از اتوریته) تصور دارند. در یک جلسه گروهی، به حاضران درباره اطاعت از اتوریته و نیز روند آزمایش توضیح کافی داده شد و آنگاه از آنها خواسته شد بیان کنند که اگر خود در آن شرایط بودند، تا کجا آزمایش را ادامه می دادند. متوسط حداکثر میزان شوک در روان شناسان ۸/۲۰ (در دامنه ۱ (۱۵ ولت) تا ۳۰ (۴۵۰ ولت) برابر با ۱۲۳ (ولت)، در دانشجویان و فارغ التحصیلان روان شناسی ۳۵/۹ و در افراد طبقه متوسط ۹/۱۵ بود و درصد سربیزی (ادامه ندادن آزمایش تا آخرین مرحله) ۱۰۰٪ بود. این نتیجه ای بود که ما هم همان را انتظار داریم: هیچ انسانی - بجز افراد مریض - حاضر نیست به انسان دیگری تا حد مرگ شکنجه وارد کند. از افراد پرسیده شد که دیگران در این موقعیت چه خواهند کرد. روان شناسان پیش بینی کردند که اکثر افراد (۷۷٪) از حد ۱۰ (۱۵۰ ولت) فراتر نخواهند رفت، ۲۰٪ به میزان ۲۰ (۳۰۰ ولت) خواهند رسید و تنها ۰/۱٪ بالاترین میزان شوک (۴۵۰ ولت) را وارد خواهند کرد. سایرین نیز مشابه همین پاسخ را دادند.

### نتایج

اما نتیجه آزمایش ها چیزی خلاف این انتظارات را نشان داد. ۱۸ آزمایش متفاوت توسط میلگرام طراحی شد که به بررسی اجمالی هر یک می پردازیم. توضیح مختصری از این آزمایش در جدول ۱ آمده است. در چهار آزمایش اول دوری و نزدیکی قربانی با آزمودنی و تأثیر آن بر میزان اطاعت آزمودنی سنجیده شده است. چنانچه در جدول ۱ نیز مشاهده می شود با نزدیکی قربانی به آزمودنی از میزان شوک وارده کاسته شد و از ۶۵٪ افراد مطیع و متوسط حداکثر شوک ۲۷/۰، به ۳۰٪ افراد مطیع و متوسط حداکثر شوک ۱۷/۸۸ کاهش یافت. میلگرام علل این کاهش میزان اطاعت را در این موارد می داند (صص ۶۲-۵۶): - نشان

همدردی: دیدن نشانه‌های بصری رنج، باعث ایجاد همدردی آزمودنی یا قربانی می‌شود. - عدم امکان نفی قربانی و وسیع شدن عرصه‌ی شناخت: در شرایط نزدیکی، عرصه شناخت فرد زیاد می‌شود و امکان نفی قربانی وجود ندارد. - میدان‌های دوجانبه: قربانی هم شاهد شکنجه دادن آزمودنی است و این باعث شرم آزمودنی می‌شود. - وحدت تجربه شده در عمل: وحدت بین عمل و اثرات آن باعث کاهش اطاعت می‌شد. - شروع شکل‌گیری گروه: قربانی و آزمودنی به هم نزدیک‌تر شده و آغاز شکل‌گیری یک گروه در آن است. - ویژگی‌های رفتاری کسب شده: احتمال دارد اعمال تهاجمی علیه دیگری که در نزدیکی ما هستند، منجر به اعمال تلافی‌جویانه آنها شود. در آزمایش ۵ سعی شد محیط آزمایشگاه عوض شده و به محیط ساده‌تری تغییر پیدا کند و علاوه بر آن بر بیماری قلبی قربانی تأکید شود. هرچند در این شرایط، از درصد افراد مطیع نسبت به حالت اولیه کاسته نشد، ولی از میزان حداکثر شوک کاسته شد و از ۲۷ به ۲۴/۵۵ رسید. در آزمایش ۶، خصوصیات ظاهری آزمایشگران، عوض شد و آزمایشگر، شخصی نرم‌خو و قربانی شخصیتی تندخو نمایانده شدند، ولی در نتایج آزمایش تغییر چندانی ایجاد نشد. در آزمایش ۷، دوری و نزدیکی مکانی صاحب اتوریته (حضور در محیط آزمایشگاه، یا نبودن در محیط و تماس غیرحضور با آزمودنی) آزمایش شد؛ وقتی آزمایشگر مکان آزمایش را ترک کرد، درصد افراد مطیع کمتر از یک سوم شد و به ۲۰٪ رسید. به علاوه وقتی آزمایشگر غایب بود، آزمودنی‌ها شوک را کمتر از حد لازم اعمال می‌کردند و به آزمایشگر اعلام نمی‌کردند. در آزمایش ۸، زنان مورد آزمایش قرار گرفتند که میزان اطاعت در آنها تفاوتی با نظر مردان (آزمودنی‌های اصلی) نشان نمی‌داد. در آزمایش ۹، قربانی با این پیش شرط حاضر به همکاری می‌شود که به دلیل ناراحتی قلبی، هرگاه که می‌خواهد، آزمایشگاه را ترک کند. در اینجا میزان اطاعت کمتر از موارد قبلی (۴۰٪) است و این نشان‌دهنده‌ی آن است که قرارداد اجتماعی، یکی از عوامل جزئی و فرعی تعیین‌کننده رفتار است که میزان اطاعت از اتوریته را فقط مقداری کمتر می‌کند. در آزمایش ۱۰، محل آزمایش از ساختمان دانشگاه بیل، به یک ساختمان ساده در شهر بریج‌پورت منتقل شد. در این حالت نیز، میزان اطاعت کمتر از حد اولیه بود و به ۵/۴۷٪ رسید، البته میزان کاهش معنی‌دار نبود. در آزمایش ۱۱، آزمودنی‌ها می‌توانستند مقدار شوک را خود انتخاب کنند. ۳۸ نفر از ۴۰ نفر، بالاتر از میزانی که شاگرد به شدت اعتراض کرده بود، فراتر نرفتند. این وضعیت نشان داد که اکثریت قریب به اتفاق آزمودنی‌ها در حالی که حق انتخاب داشتند، شوک‌های بسیار پایین به قربانی دادند. میلگرام

عوامل مؤثر بر صحنه آزمایش را سه عنصر می‌داند: وضعیت، مقام و عمل. در آزمایش‌های فصل هشتم با تغییر رابطه میان این سه عنصر، میزان تفاوت در اطاعت از اتوریته سنجیده می‌شود. در آزمایش ۱۲، شاگرد می‌خواهد که به او شوک داده شود و آزمایشگر مخالف شوک دادن است. میزان اطاعت از قربانی برای شوک دادن به وی ۰/۰ است، یعنی هیچ یک از اشخاص مورد آزمایش با خواست شاگرد موافقت نکردند و با دستور آزمایشگر، به شوک دادن پایان دادند، یعنی آنها تنها به خواست اتوریته شوک می‌دادند. در آزمایش ۱۳، ابتدای آزمایش، آزمایشگر اتاق را ترک می‌کند و دستیار او که یک فرد عادی است، شروع به دستور دادن می‌کند. هرچند که محیط آزمایشگاه، اتوریته را به آزمودنی تحمیل می‌کرد، ولی میزان همکاری به میزان زیادی پایین آمد و درصد افراد مطیع ۲۰٪ بود و تنها یک سوم اشخاص، دستور فرد عادی را مانند دستور آزمایشگر اطاعت کردند. آزمایش ۱۳ الف، حالتی بود که اگر آزمودنی از پذیرش دستور فرد عادی خودداری می‌کرد، آزمایش انجام می‌شد و فرد عادی یا کنار زدن آزمودنی از او می‌خواست که فقط میزان شوک را اندازه بگیرد و خود عهده‌دار شوک دادن می‌شد. در این شرایط ۶۸/۵٪ از افراد، تا آخرین سطح شوک دادن پذیرای شرایط بودند و مانع شوک دادن فرد عادی نشدند. در آزمایش ۱۴، جای آزمایشگر و قربانی (به صورت موقت و برای دلگرمی و اطمینان دادن به قربانی برای تحمل شوک) عوض می‌شد و به آزمایشگر شوک وارد می‌شد و قربانی دستور شوک دادن می‌داد. تمامی اشخاص مورد آزمایش، با اولین اعتراض آزمایشگر، آزمایش را قطع و از

دادن حتی یک شوک بیشتر امتناع کردند. در آزمایش ۱۵، دو آزمایشگر صاحب اتوریته که هم مرتبه بودند، دستورات متناقضی صادر می‌کردند به صورتی که یکی حاکمی از درخواست توقف آزمایش بود و دیگری خواستار ادامه آن. در اینجا نیز آزمودنی، از درخواست توقف آزمایش اطاعت کرد و ادامه آزمایش منتفی شد. در آزمایش ۱۶، از دو آزمایشگر، یکی نقش قربانی را ایفا می‌کرد. در این صورت نیز، میزان اطاعت مانند حالت اولیه بود و دانستن اینکه فرد قربانی، قبلاً آزمایشگر بوده، کمکی به عدم اطاعت از اتوریته آزمایشگر دیگر در شوک دادن به قربانی نکرد.

افرادی که در آزمایش ۱۳ از دستور شخص عادی سرپیچی کردند، اما در این آزمایش مانع فعالیت شخص عادی در شوک دادن نشدند. فصل نهم، تأثیر گروه را اندازه‌گیری می‌کند. در آزمایش ۱۷، سه نفر با هم در شوک دادن همکاری هستند، نفر اول با اولین اعتراض آزمودنی (در کلید ۱۰ دستگاه مولد شوک) انجام آزمایش را متوقف می‌کند و به جای او نفر دوم عهده‌دار انجام آزمایش می‌شود. در کلید ۱۴ (۲۱۰ ولت) نفر دوم نیز حاضر به ادامه نمی‌شود و آزمودنی به جای او شوک می‌دهد. در این حالت، میزان اطاعت از اتوریته تا ۱۰٪ پائین می‌آید و متوسط حداکثر شوک ۱۶/۴۵ است و این نشان‌دهنده تأثیر عدم اطاعت دیگران، در عدم اطاعت آزمودنی است. در آخرین آزمایش (آزمایش ۱۸) آزمودنی همکاری بود و فشردن کلید وارد کردن شوک برعهده او نبود. در این حالت، ۹۲/۵٪ از آزمودنی‌ها، تا آخرین مرحله آزمایش را ادامه دادند و حاضر به ترک آزمایش نشدند و این نشان‌دهنده

## کار میلگرام

صرف نظر از محتوای آن، یک کتاب آموزشی برای روش تحقیق

در روانشناسی اجتماعی

و البته جامعه‌شناسی و روانشناسی است



تاملات فراوان نظری

و طراحی یک آزمایش و صورت‌ها و شرایط مختلف آن

و نیز مخفی کاری‌های پیش از آزمایش و دنبال کردن موضوع

پس از اتمام آزمایش،

از مهم‌ترین نقاط قوت این تحقیق است

جدول ۱- شرح آزمایش های میلگرام

شماره آزمایش	شرح آزمایش	درصد اشخاص مطیع	میانگین حداکثر میزان شوک (در دامنه ۰ تا ۴۵۰ ولت)
۱	دوری: قربانی در اتاقی است که نه صدایش شنیده می شود و نه دیده می شود	۶۵/۰	۳۰۵
۲	پس خور صدا: قربانی در اتاق مجاور است که صدای او شنیده می شود	۶۲/۵	۲۶۷/۹۵
۳	نزدیکی مکانی: قربانی در اتاق نزدیک آزمودنی است و در فاصله چند قدمی او	۴۰/۰	۳۱۲
۴	تماس: آزمودنی باید پس از امتناع قربانی، با زور دست او را روی صفحه شوک قرار دهد تا بتواند به او شوک بیشتری بدهد	۳۰/۰	۲۶۸/۲
۵	تأکید بر نارااحتی قلبی قربانی و تغییر مکان آزمایش از آزمایشگاه مجلل دانشگاه به زیرزمین دانشگاه	۶۵/۰	۳۶۸/۲۵
۶	تغییر کارکنان: آزمایشگر نرم و غیر پرخاشگر و قربانی به صورت استخوانی و با فک پهن و ظاهر خشن نشان داده شد	۵۰/۰	۳۴۰
۷	غیبت آزمایشگر: آزمایشگر آزمایشگاه را ترک می کند و توسط تلفن دستورات را می دهد	۲۰/۵	۲۷۲/۲۵
۸	زنان: آزمودنی ها زن بودند	۶۵/۰	۳۷۰/۹۵
۹	قرارداد محدود با قربانی (روبرد با پیش شرط): قربانی شرط می کرد که تنها در صورتی در آزمایش شرکت می کند که هر وقت بخواهد آزمایشگاه را ترک کند. این شرط به صورت ضمنی توسط آزمایشگر نیز پذیرفته می شد	۴۰/۰	۲۲۱
۱۰	باقت نهادی: تغییر مکان آزمایش به یک ساختمان ساده در شهر بریج پورت	۳۷/۵	۳۱۴/۲۵
۱۱	انتخاب شوک: آزمودنی ها آزادانه خود مقدار شوک را انتخاب کنند	۲/۵*	۸۲/۵
۱۲	تعویض نقش ها: قربانی می خواهد که به او شوک داده شود و آزمایشگر خواستار معافیت از شوک دادن است	۰/۰	۱۵۰
۱۳	فردی عادی دستور می دهد: به جای آزمایشگر و در غیاب او، یک فرد عادی به آزمودنی دستور می دهد	۲۰/۰	۳۴۲/۷۵
۱۳ (الف)	آزمودنی به عنوان ناظر؛ وقتی آزمودنی از پذیرش دستورات فرد عادی خودداری کرد، فرد عادی خود به جای آزمودنی مسئول شوک دادن شد و از آزمودنی تنها خواستار اندازه گیری زمان شوک شد	۶۸/۷۵**	۳۷۲/۵
۱۴	آزمایشگر به عنوان قربانی: فرد عادی فرمان می دهد و آزمایشگر به جای قربانی نشسته است	۰/۰	۱۵۰
۱۵	دو آزمایشگر با فرمان های متناقض: یکی خواستار توقف آزمایش است و یکی خواستار ادامه است و هیچ کدام بر دیگری رجحان ندارد.	۰/۰	۱۵۰
۱۶	دو آزمایشگر، یکی به عنوان قربانی: با نیامدن همدست، یکی از دو آزمایشگر نقش قربانی را برعهده می گیرد و دیگری آزمایشگر و فرمان دهنده می شود	۶۵/۰	۳۵۲/۵
۱۷	سرپیچی دو شخص هم مرتبه؛ دو همدست هم مرتبه ای آزمودنی، از انجام آزمایش خودداری می کنند و کناری می نشینند	۱۰/۰	۲۴۶/۷۵
۱۸	یک همتا شوک می دهند: یک همدست که هم مرتبه ای آزمودنی است شوک می دهد و فرد آزمودنی تنها لغات را می خواند	۹۲/۵	۴۴۹/۷۵

حالتی است که فرد احساس می کند خود عمل فیزیکی وحشیانه ای انجام نمی دهد و در واقع مسئولیتی را متوجه خود نمی داند و از خود سلب مسئولیت می کند. نتایج این آزمایش بالاترین میزان اطاعت در کل ۱۸ آزمایش، را نشان می دهد.

تحلیل نظری

پس از بیان آزمایش، میلگرام درصدد تبیین علت وجود این نرخ بالای اطاعت از اتوریته برمی آید. وی با استفاده از رویکرد سیبرنتیکی، سعی در تحلیل رفتار در ساخت سلسله مراتبی می کند. خلاصه استدلال او چنین است (ص ۱۷۱):  
 - زندگی اجتماعی سازمان دار، به افرادی که بخشی از آن هستند و به خود گروه امکان بقا می دهد؛ - ویژگی های رفتاری و روان شناختی لازم برای خلق توانایی زندگی اجتماعی سازمان دار را، نیروهای تکاملی شکل داده اند؛ - از دیدگاه سیبرنتیک، عمومی ترین ضرورت برای قرار دادن عامل های خودکار خودتنظیم در یک دستگاه مختصات سلسله مراتبی هماهنگ، سرکوب جهت گیری و کنترل فردی به نفع جزء سطح بالاتر است؛ - به طور کلی سلسله مراتب ها تنها هنگامی می توانند کارآمد باشند که در عناصر تشکیل دهنده ی آن ها تعدیل هایی صورت پذیرد؛ - سلسله مراتب های کارآمد در زندگی اجتماعی با این ویژگی ها مشخص می شوند؛ و - افرادی که وارد چنین سلسله مراتب هایی می شوند ضرورتاً عملکردشان تعدیل می شود. به تعبیر دیگر، وقتی فرد شرایطی با کنترل سلسله مراتبی می شود، ساز و کارهایی که به طور معمول انگیزش های فردی را تنظیم می کند، سرکوب می شوند و کنترل به جزء بالاتری واگذار می شود. در اینجا میلگرام از یک مفهوم تازه استفاده می کند و آن «عامل بودگی» است. وی معتقد است شخصی که وارد یک سیستم اتوریته می شود، به طور مشخص دیگر خود را چون شخصی که در پی اهداف خویش است نمی انگارد، بلکه به تدریج خود را عامل اجرای فرمان شخصیت دیگری می بیند. حالت عامل بودگی، شرایطی است که فرد تحت آن، خود را عامل اجرای خواست های فرد دیگری می بیند، این اصطلاح در مقابل خودمختاری بکار برده می شود. میلگرام، حالت عامل بودگی را از دیدگاه سیبرنتیک چنین تعریف می کند: وقتی که یک واحد خودتنظیم کننده چنان از درون تعدیل شود که امکان یابد در داخل یک سیستم کنترل سلسله مراتبی کارکرد داشته باشد؛ و از دیدگاه ذهنی آن را چنین تعریف می کند: یک شخص وقتی در حالت عامل بودگی است که در یک موقعیت اجتماعی، خود را مسئول اعمال خویش نداند، بلکه خود را به عنوان مجری دستورهای مقام بالاتر تعریف کند.

عوامل مؤثر بر اطاعت (روند اطاعت)

میلگرام، آنگاه به دنبال تحلیل روند اطاعت

\* افرادی که بیشترین شوک را دادند، چون خود مقدار شوک را انتخاب می کردند.

\*\* افرادی که در آزمایش ۱۳ دستور شخص عادی سرپیچی کردند، اما در این آزمایش مانع فعالیت شخص عادی در شوک دادن نشدند.

و کاربرد تحلیل فوق‌الذکر در آزمایش است. او سه سؤال اصلی طرح می‌کند: - یک شخص خودمختار، تحت چه شرایطی به حالت عامل‌بودگی درمی‌آید؟ (شرایط قبلی) - بعد از وقوع تغییر، کدام رفتارها و ویژگی‌های روانی شخص عوض می‌شود؟ (نتایج) - چه چیز شخص را در حالت عامل‌بودگی نگه می‌دارد؟ (عامل نگه‌دارنده) هرچند آنچه میلگرام ذکر کرده، بیشتر، از این آزمایش گرفته شده، ولی در سایر روندهای اطاعت نیز کاربرد دارد. اینک به شرح این عوامل می‌پردازیم:

#### ۱- شرایط قبلی اطاعت

۱-۱- خانواده: زندگی خانوادگی و اطاعت از والدین، سرچشمه اطاعت از اتوریته است.  
۱-۲- مجموعه نهادی: مدرسه، سربازی و محیط کار، از عواملی هستند که اتوریته را درونی می‌کنند و البته تمایز جوامع مدرن با جوامع سنتی در آن است که افراد در آن به اتوریته غیرشخصی و نهادهای نیز تن درمی‌دهند.

۱-۳- جایزه: معمولاً اطاعت از اتوریته، در ساختارهای نهادی پاداش می‌گیرد و برای فرد ترفیع ایجاد می‌کند. عوامل ذکر شده در بالا شرایط زمینه‌ای اطاعت هستند، اما عوامل بعدی شرایطی هستند که در یک موقعیت خاص، حالت عامل‌بودگی را ایجاد می‌کنند.

۱-۴- شرایط بی‌واسطه قبلی - درک از اتوریته یا پذیرش اتوریته مشروع از جمله شرایط قبلی بی‌واسطه‌ای پذیرش اتوریته است. اتوریته در یک موقعیت و بافت پذیرفته می‌شود و افراد خارج از آن، از آن اطاعت نمی‌کنند. محدوده‌ی اطاعت از خلبان در طول سفر هوایی و از آزمایشگر، در طول آزمایش است (هرچند برخلاف نظر میلگرام، افراد در موقعیت‌های عادی نیز از افراد بدون اتوریته‌ی مشروع اطاعت می‌کنند. در آزمایشی، فردی با لباس عادی از رهگذران در بروکلین می‌خواست که کاری غیرعادی مثل برداشتن یک پاکت از روی زمین یا دادن پول خرد به فرد سوم انجام بدهند. وقتی فرد لباس عادی به تن داشت، اطاعت ۲۳٪ و وقتی لباس پلیس به تن داشت، اطاعت ۹۰٪ بود. (کریمی، ۱۳۷۹: ۱۴۰). در این آزمایش نیز عوامل زیر باعث ایجاد یک اتوریته مشروع شده بود:

○ معرفی آزمایشگر و توضیح آزمایش، روپوش خاکستری تکنسین‌ها، عدم حضور اتوریته‌های رقیب و معارض در آزمایشگاه، عدم حضور عوامل ناهنجار آشکار (فرضاً یک بچه پنج ساله ادعا کند که آزمایشگر است)

○ ورود به سیستم اتوریته: فرد برای ورود به حالت عامل‌بودگی باید وارد محوطه فیزیکی خاصی بشود. فضای آزمایشگاه این حالت را تقویت می‌کند و البته ورود داوطلبانه افراد، در مقید کردن آنها به اتوریته مؤثر است.

**وقتی فرد وارد شرایطی با کنترل سلسله مراتبی می‌شود، ساز و کارهایی که به طور معمول انگیزش‌های فردی را تنظیم می‌کند، سرکوب می‌شوند**

**و کنترل به جزء بالاتری واگذار می‌شود**



**فرد در مقابل اتوریته‌ای که به او فرمان می‌دهد،**

**احساس مسئولیت می‌کند،**

**اما نسبت به عملی که اتوریته دستور داده،**

**احساس مسئولیتی ندارد. اخلاق در اینجا از احساس مسئولیت،**

**به وفاداری یا نظم تغییر حالت می‌دهد و فرد عمل اخلاقی را**

**در اطاعت می‌یابد نه در محتوای عمل**

در اینجا از احساس مسئولیت، به وفاداری یا نظم تغییر حالت می‌دهد و فرد عمل اخلاقی را در اطاعت می‌یابد نه در محتوای عمل. نیروهای کنترل‌کننده رفتار فرد، وقتی فرد برای غیر خود عمل می‌کند، غیرفعال می‌شوند و به گفته میلگرام: «فرد عادی در دوران رشد خود می‌آموزد ابراز غریزه‌های تهاجمی خود را کنترل کند، اما در ایجاد کنترل درونی بر اعمالی که ناشی از اتوریته‌اند، آموزش تقریباً به طور کامل ناتوان مانده است. به این دلیل، این اعمال برای بقای انسان خطرناک‌تراند». (ص ۱۸۸)

۲-۴- تصور از خویشتن: وجدان و سایر مکانیزم‌های کنترل‌کننده‌ی درونی، هنگامی که فرد در حالت عامل‌بودگی قرار می‌گیرد، دیگر توان ارزیابی و ارزشگذاری رفتار فرد را ندارند و لذا فرد تصور منفی از خود پیدا نمی‌کند.

۲-۵- فرمان و حالت عامل‌بودگی: هر فرمان علاوه بر تعریف عمل، شامل دستوری است که بنا بر آن، عمل باید اجرا شود. حالت سازمان‌دهندگی ذهنی برای عامل‌بودگی، احتمال اطاعت را بالا می‌برد.

#### ۳. عوامل مقیدکننده

هر چند بسیاری از آزمودنی‌ها، تصمیم عقلانی می‌گیرند که دیگر به شاگرد شوک ندهند، ولی از تحقق عملی آن ناتوان هستند، زیرا عوامل مقیدکننده بسیاری وجود دارد که توان سرپیچی را از فرد می‌گیرد.

۳-۱- ماهیت زنجیره‌ای عمل: گذر زمان روندی است که در آن هر عمل، بر عمل بعدی اثر می‌گذارد و عمل اطاعت، دائمی است. در شوک‌های بالاتر، آزمایشگر دستور جدیدی نمی‌دهد، فقط ادامه

○ هماهنگی فرمان با نقش اتوریته: باید رابطه قابل فهمی میان نقش شخص کنترل‌کننده و ماهیت فرمانی که صادر کرده وجود داشته باشد. در این آزمایش، آزمودنی، دستورات آزمایشگر را هماهنگ با فرآیند کلی آزمایش (حافظه و یادگیری) می‌دید.

○ ایدئولوژی پوشش‌دهنده: وجود یک ایدئولوژی به ایجاد حالت عامل‌بودگی و اطاعت بسیار کمک می‌کند. فرد، ایدئولوژی علمی را در یک آزمایشگاه، به وضوح می‌شناسد و می‌پذیرد.

#### ۲- ویژگی‌های حالت عامل‌بودگی

۲-۱- هماهنگ شدن: در آزمودنی، روند هماهنگی واقعی با حداکثر قدرت پذیرش آنچه اتوریته فرمان می‌دهد، اتفاق می‌افتد، در حالی که علایم صادر شده از طرف شاگرد (قربانی) کم‌رنگ و از نظر روانی جزئی ارزیابی می‌شود. علت این هماهنگی نیز این است که اتوریته توان پاداش و تنبیه افراد زیردست را دارد و لذا شخص دارای اتوریته چیزی بیش از یک فرد عادی دیده می‌شود.

۲-۲- تعریف مجدد موقعیت: یک راه آسان کنترل رفتار فرد، کنترل روشی است که شخص با آن جهان پیرامون خود را تفسیر می‌کند. در حالت عامل‌بودگی، فرد تعریف مجددی از موقعیتی که در آن قرار گرفته، انجام می‌دهد و آن را با پذیرش اتوریته سازگار می‌کند.

۲-۳- ناپدید شدن مسئولیت: فراگیرترین نتیجه‌ی تغییر به حالت عامل‌بودگی این است که فرد در مقابل اتوریته‌ای که به او فرمان می‌دهد، احساس مسئولیت می‌کند، اما نسبت به عملی که اتوریته دستور داده، احساس مسئولیتی ندارد. اخلاق



## سؤال اساسی میلگرام این است که انسان‌ها چگونه از فرمانی که با وجدان آنها در تناقض است اطاعت می‌کند؟



### در آزمایش ۷،

دوری و نزدیکی مکانی صاحب اتوریته (حضور در محیط آزمایشگاه، یا نبودن در محیط و تماس غیر حضوری با آزمودنی) آزمایش شد؛ وقتی آزمایشگر مکان آزمایش را ترک کرد، در صد افراد مطیع کمتر از یک سوم شد

روند فعلی را می‌خواهد و قطع آن یعنی آنچه تاکنون انجام داده شده، بد بوده است.

۳-۲ - وظیفه‌های موقعیتی: هر موقعیت اجتماعی بر پایه اجماع میان مشارکت‌کنندگان ساخته شده است و یکی از اولین مقدمات منطقی آن این است که بعد از آن که تعریفی از موقعیت مطرح شد و مشارکت‌کنندگان آن را پذیرفتند، نباید با آن مخالفت کنند و مخالفت با آن خطای اخلاقی است. در اینجا نیز موقعیت به گونه‌ای طراحی شده است که آزمودنی وظیفه‌ای برعهده گرفته است و انکار آن در میانه آزمایش، ناشایستگی اجتماعی و خطای اخلاقی است. قرار گرفتن در مقابل اتوریته آزمایشگر همراه با نفی موقعیت اجتماعی تعریف شده، کار دشواری است که بسیاری از مردم، از انجام آن ناتوان هستند.

۳-۳ - تشویش: افراد در جریان آزمایش تشویش را در خود احساس می‌کنند. علت این تشویش، فرآیند اجتماعی شدن فرد است که تخلف از قواعد پذیرفته شده را بر نمی‌تابد و فرد با نیت نقض مقررات و تخلف از اتوریته، احساس تشویش می‌کند.

### سریچی از اطاعت

میلگرام، پس از آن به دنبال دلایل عدم سریچی افراد از اطاعت می‌گردد. از نظر وی، فشار عصبی حالتی است که آزمودنی را به سریچی وادار می‌کند. میلگرام فشار عصبی را به خوبی تعریف نکرده و تنها به عنوان یک حالت روانی برای سریچی بیان کرده است. وقتی عوامل مقیدکننده بزرگ‌تر از فشار عصبی خالص (فشار بدون ساز و کارهای تقلیل‌دهنده) باشد، حاصل،

با تأکید بر کلمات درست

- جست‌وجوی تضمین اجتماعی: آزمودنی‌ها به دنبال تضمین این مسئله از سوی آزمایشگر بودند که آنها مسئول انجام آزمایش نیستند و کس دیگری (آزمایشگر) این مسئولیت را برعهده می‌گیرد.

- مقصر دانستن قربانی: آزمودنی‌ها مسئولیت مجازات را به گردن حماقت و بی‌شعوری قربانی یا شرکت داوطلبانه‌اش در آزمایش می‌انداختند.

- تغییر عقیده بی‌اثر: تغییر عقیده، نقشی دوگانه و بی‌اثر بازی می‌کند، از طرفی اولین گام در شکاف بین آزمودنی و آزمایشگر می‌باشد و از طرف دیگر دریچه اطمینانی است برای کاهش فشار عصبی. جر و بحث کلامی با آزمایشگر از این نوع است. سریچی، آخرین وسیله کاهش فشار عصبی است. سریچی از اتوریته به دنبال فرمول‌بندی مجدد رابطه‌ی آزمودنی و اتوریته ایجاد می‌شود. بسیاری از افراد نگران عواقب سریچی بودند. آزمودنی‌ها تمایل دارند که بعد از بحث با آزمایشگر، این آزمایشگر باشد که به آزمایش پایان دهد، ولی وقتی این تلاش به شکست انجامید، خود دست به سریچی می‌زنند. شک درونی، بیرونی شدن شک، تغییر عقیده و در نهایت سریچی، فرآیندی است که تنها اندکی از افراد قادر به طی کردن آن هستند.

### پرخاشگری به عنوان یک نظریه بدیل

میلگرام استدلال می‌کند که پرخاشگری و نیروهای ویرانگر درون آدمی که فریاد از آن یاد می‌کند، توان تبیین اطاعت از اتوریته را ندارند، زیرا وقتی افراد قادر به انتخاب میزان شوک دادن هستند (آزمایش ۱۱)، کمترین میزان شوک را وارد می‌کنند.

### مسأله روش

میلگرام در فصل ۱۴ کتاب به سه نقد وارد به روش تحقیق خود پاسخ می‌دهد:

۱ - قدرت تعمیم نمونه‌ها: انتقاد شده که دانشجویان یا داوطلبان، نمونه‌ی قابل تعمیمی نیستند. میلگرام پاسخ می‌دهد که اولاً دانشجویان و ثانیاً داوطلبان باید تمایل کمتری به اتوریته داشته باشند و لذا این، حداقل مقدار اطاعت در دنیای واقعی است؛ و نیز تکرار این آزمایش در سایر نقاط جهان نیز این یافته‌ها را تکرار کرده است.

۲ - عدم اعتقاد به جدی بودن شوک‌ها: نقد شده که افراد واقعا اعتقاد نداشتند که به قربانی‌ها شوک وارد می‌کنند. پاسخ آن است که پس از آزمایش از آزمودنی‌ها خواسته شد که مقدار درد قربانی را تخمین بزنند و آنها، شوک وارد به قربانی را دردناک تخمین زدند. سه چهارم اشخاص در پرسشنامه‌ای که یک سال پس از آزمایش از آنها پرسیده شد، اعتقاد داشتند که شوک دردناک به قربانی وارد کرده بودند. آزمایش‌های دیگر نیز این نتیجه را تأیید کرد، مثل آزمایش روزن‌هان.

اطاعت است و وقتی کوچک‌تر باشد، حاصل کار، سریچی است. بقایای استقلال فردی که خارج از دسترس اتوریته آزمایشگر باقی می‌ماند، ارزش‌های شخصی را در فرد زنده نگاه می‌دارد و این امر موجب فشار عصبی می‌شود. سرچشمه‌های فشار عصبی در این آزمایش عبارت‌اند از:

- فریاد درد قربانی در جریان آزمایش  
- موجب درد فرد بی‌گناه شدن (تخطی از ارزش‌هایی است که در فرد درونی شده است)  
- ترس از تلافی قربانی - دستورات قربانی برای تعطیلی آزمایش و تعارض ناشی از درخواستهای متفاوت در آزمودنی  
- دادن شوک و آزار به قربانی (با تصور ذهنی فرد از خود سازگار نیست).

حفاظت‌هایی که آزمایشگاه در جلوی آزمودنی ایجاد کرده بود، از فشارهای عصبی وی می‌کاست. دستگاه مولد شوک، فشار عصبی کمتری ایجاد می‌کند تا وقتی که فرد بخواهد با دست خود به قربانی لطمه وارد سازد.

میلگرام انواع ساز و کارهایی که فشار عصبی را تحلیل می‌برند، به ترتیب زیر ذکر کرده است: (صص ۲۰۲-۲۰۶).

- اجتناب: اجتناب از دیدن قربانی - انکار: انکار دردآور بودن شوک

- بدل فیزیکی: جایگزینی فشار عصبی با نشانه‌های فیزیکی از قبیل عرق کردن، لرزیدن و خنده از سر ترس، که باعث تخفیف فشار عصبی خواهد شد.

- حداقل همکاری: دادن کمترین مقدار شوک از نظر زمانی، که مرهمی برای وجدان فرد ایجاد می‌کند. - طفره رفتن: رساندن کلمات درست به قربانی

۳ - عدم قدرت تعمیم به جهان واقعی: انتقاد شده که هرچند این نتایج در آزمایشگاه درست است، اما نمی‌توان آن را به دنیای واقعی تعمیم داد. میلگرام پاسخ می‌دهد که چون منطق اطاعت از اتوریته یکسان است، کوچکی و بزرگی فضای آن چندان اهمیتی ندارد، چون آزمایش وی دارای ویژگی‌های بنیادین ساختاری‌ای است که با موقعیت‌های دیگر تحت سلطه وجوه مشترک دارد. میلگرام خود به وجوه مشترک آزمایش حاضر با آلمان دوران نازی اشاره می‌کند. دنیای واقعی در فصل پانزدهم میلگرام اطاعت را در جنگ ویتنام بررسی می‌کند و سعی می‌کند که تغییراتی را که در سربازان به تدریج ایجاد می‌شود تا حاضر به کشتار انسان‌های بیگانه در ویتنام شوند بیان کند. او شرح مسوسوی از مصاحبه خبرنگار CBS با یک سرباز عامل قتل‌عام بیش از سیصد زن، مرد و کودک در دهکده مای‌لای ویتنام را ذکر می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در برابر احتمال رفتار وحشیانه و غیر انسانی که اتوریته فرمان می‌دهد، نمی‌توان روی ماهیت انسانی یا دقیق‌تر روی شخصیتی که جامعه دموکراتیک آمریکا ایجاد کرده است، حساب کرد. (ص ۲۳۹)

#### پیوست‌ها

کتاب حاوی دو پیوست است که در پیوست اول مسئله اخلاق در پژوهش علمی بررسی شده است. یکی از نقدهای مطرح به آزمایش میلگرام آن است که سلامت اشخاص شرکت‌کننده در آزمایش، زیر سؤال رفته است. میلگرام پاسخ می‌دهد که اولاً تصور نمی‌کرد که کثیری از افراد تا انتها، آزمایش را ادامه دهند و لذا این نتایج، به دلیل غیرمنتظره بودن، از قبل پیش‌بینی نشده‌اند. ثانیاً بحث‌های مفصل پس از آزمایش با آزمودنی‌ها و توضیح فرآیند آزمایش و اطمینان دادن درباره شوک ندیدن قربانی، و نیز اطمینان دادن به عادی بودن رفتار افراد مطیع، از میزان تنش‌های بعدی آنها کاسته است. دریافت شرح کامل آزمایش و یک تقدیرنامه پس از اتمام کار، بر این کاهش تنش‌ها افزوده است. ثالثاً نظر آنها در یک پرسشنامه پس از اتمام آزمایش، حاکی از خشنودی اکثر آنها (۷۸٪) از شرکت در آزمایش بوده است. رابعاً یک سال پس از پایان آزمایش، میلگرام توسط یک متخصص بی‌طرف با ۴۰ فرد مورد آزمایش، مصاحبه انجام داد و در هیچ یک از آنها نشانی از ناراحتی ندید و به نظر میلگرام، سرچشمه بسیاری از انتقادات، به دلیل رفتار آزمودنی‌ها است. تصور غالب بر آن است که افراد نوع انسانی در چنین موقعیتی از اطاعت سرپیچی خواهند کرد و چون میلگرام نشان داده که آن‌ها سرپیچی نمی‌کنند، مورد نقد واقع شده است.

در پیوست دوم، الگوی رفتاری افراد مورد بررسی قرار گرفته و نظر آنها درباره میزان مسئولیت هر یک از سه عنصر آزمایش (آزمودنی، آزمایشگر و قربانی)

پرسیده شده است. نتایج نشان می‌دهد که اشخاص مطیع و غیرمطیع، خود را مسئول اصلی رنج شاگرد می‌دانند. اشخاص غیرمطیع ۴۸٪ مسئولیت را به خود و ۳۹٪ به آزمایشگر نسبت دادند؛ و اشخاص مطیع، خود را بیش از آزمایشگر مسئول نمی‌دانند (۳۸٪ آزمایشگر و ۲۶٪ خود را مسئول می‌دانند).

میلگرام در انتها (یک صفحه آخر کتاب) تأثیر متغیرهای شخصیتی را بر میزان اطاعت می‌سنجد و نشان می‌دهد که هرچند در شرایط اولیه، کاتولیک‌ها بیش از یهودی‌ها و پروتستان‌ها مطیع هستند، و اشخاص باسوادتر از افراد کم‌سوادتر سرکش‌تر بودند و متخصصان رشته‌های اخلاقی بیش از متخصصان علوم مهندسی و فیزیک سرپیچی می‌کردند، ولی در شرایط و آزمایش‌های بعدی، این تفاوت‌ها رنگ باختند و او معتقد است که دلیل آن این است که یک بنیاد پیچیده شخصیتی برای اطاعت و سرپیچی وجود دارد.

#### نقاط مثبت

۱ - یک مدل کار تجربی: کار میلگرام صرف‌نظر از محتوای آن، یک کتاب آموزشی برای روش تحقیق در روانشناسی اجتماعی و البته جامعه‌شناسی و روانشناسی است. گسترش تحقیقات پیمایشی در ایران و ضعف بسیاری از آنها در مبانی نظری و نیز پیوند مبانی نظری با روش تحقیق، از جمله عواملی است که لزوم اعتنای به این کتاب را بیشتر می‌کند. تاملات فراوان نظری و طراحی یک آزمایش و صورت‌ها و شرایط مختلف آن و نیز مخفی‌کاری‌های پیش از آزمایش و دنبال کردن موضوع پس از اتمام آزمایش، از مهم‌ترین نقاط قوت این تحقیق است و تلاشی را که برای یک کار ماندنی در عرصه عدم رفتاری شده، یا تلاشی که

باعث شده یک کار ماندنی شود، نشان داده است. بجا است که محققان علوم اجتماعی و رفتاری این تاملات و دقایق را بیشتر توجه کنند و از آن درس بیاموزند.

۲ - توضیح داده‌های متعارض: یکی دیگر از نقاط قوت کار میلگرام، سعی در تبیین یافته‌ها و حتی یافته‌های متعارض است. او بیان می‌کند که «من این قاعده کلی را به کار بردم که هیچ شخصی از داده کنار گذاشته نشد، زیرا کنار گذاشتن انتخابی اشخاص با معیار غیردقیق، سریع‌ترین راه برای شکل‌گیری فرضیه‌های ناخواسته به شمار می‌آید». (ص ۲۱۹) این مسأله نکته آموزنده‌ای برای پژوهشگران است که از نشان دادن دلایل وجود یک یا چند یافته متعارض با فرضیات، پرهیز نکنند و اصولاً بسیاری از نظریات جدید از دل همین تبیین و تعارضات با نظریات موجود بدست آمده است.

۳ - لزوم توجه بیشتر به آزمایش: یافته‌های میلگرام نشان می‌دهد که با طراحی دقیق یک آزمایش، می‌توان داده‌های خوبی درباره رفتار بشری بدست آورد و این امر به ویژه برای رویکرد جامعه‌شناختی روانشناسی اجتماعی که غالباً از روش‌های پیمایشی استفاده می‌کند، ضرورت بیشتری دارد. میلگرام در دو فصل کتاب، مصاحبه‌های انجام شده با اشخاص، پس از آزمایش را نیز بیان کرده است و نشان می‌دهد که کنترل این تعداد اندک نمونه نیز برای آزمایش وی کافی بوده است.

۴ - یک نکته مثبت دیگر، که آسیب جدی تحقیقات اجتماعی در ایران است، متغیرهای شخصیتی است که میلگرام توجه بسیار کمی به آن داشته است. او به دنبال علل رفتار در موقعیت‌های

**یکی از نقدهای مطرح به آزمایش میلگرام آن است که سلامت اشخاص شرکت‌کننده در آزمایش، زیر سؤال رفته است.**



**تصور غالب بر آن است**

**که افراد نوع انسانی در چنین موقعیتی از اطاعت سرپیچی خواهند کرد و چون میلگرام نشان داده که آن‌ها سرپیچی نمی‌کنند، مورد نقد واقع شده است.**

## تورق

گونگون بوده و سعی کرده این تغییر رفتار را با توجه به تغییر ساختارها و حالات تبیین کند و نه فقط با متغیرهای شخصیتی. و البته متغیرهای شخصیتی نیز تأثیر معنی داری بر تغییر رفتار نداشته‌اند.

### نقاط منفی در ترجمه

۱- یکی از اساسی‌ترین مسائلی ترجمه کتاب لغت اتوریته است. authority در ادبیات علوم اجتماعی، تقریباً به اتفاق، به «اقتدار» ترجمه شده و علاوه بر آن، آمریت و قدرت مشروع و قانونی نیز ترجمه شده است. اما اتفاق در ترجمه آن به اقتدار (حاصل در ۵۱ کتاب علوم اجتماعی در ایران (میرسارو، ۱۳۷۹: ۱۲۹)) توجیه چندانی برای ذکر لغت انگلیسی آن باقی نمی‌گذارد. بنابراین بهتر بود که مترجمان از لغت اقتدار استفاده می‌کردند یا این که دلایل عدم ترجمه آن را بیان می‌کردند.

۲- کتاب ظاهر از متن آلمانی ترجمه شده است زیرا مترجمان در ابتدای کتاب، علاوه بر مشخصات متن انگلیسی، مشخصات متن آلمانی را نیز ذکر کرده‌اند و البته به وضوح مشخص نکرده‌اند که کتاب از متن انگلیسی ترجمه شده یا متن آلمانی، و با وجود دسترس بودن متن انگلیسی، ترجمه از متن غیراصلی، می‌تواند مخل محتوای کتاب باشد. علاوه بر آن، عنوان انگلیسی کتاب در ابتدای کتاب، authority ذکر شده نه obedience to authority که عنوان درست کتاب میلگرام است و در صفحه‌ی انتهایی کتاب نیز ذکر شده است.

۳- لغات اصلی ترجمه شده معادل لاتین ندارد لغاتی مانند عامل‌بودگی و...؛ شاید علت آن نیز همان ترجمه از متن آلمانی کتاب باشد. ولی ذکر لغات اصلی برای مفاهیم کلیدی، به‌ویژه اگر معادل لغت توسط مترجمان ساخته شده باشد، ضرورت دارد.

۴- شیوه‌ی ارجاع‌دهی در متن یکدست نیست به عنوان نمونه صفحات ۲۵۸ با صفحات ۲۵۴ و ۲۵۵ دو نمونه متفاوت از ارجاع را نشان می‌دهد.

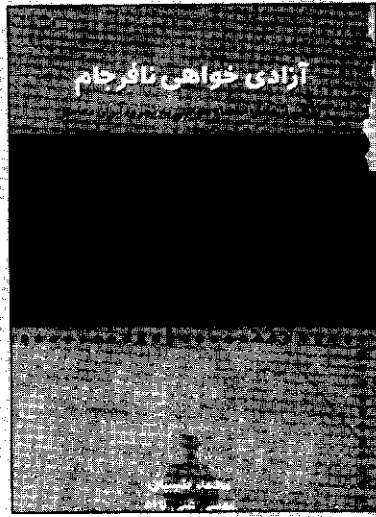
۵- برخی اغلاط تایپی نیز در متن به چشم می‌خورد مانند مرجم به جای مرهم در صفحه ۲۰۴ و عنوان مبهم «تعریف مجدد یعنی (شاید معنی) موقعیت» (ص ۱۸۶). در مجموع کتاب نثر روانی دارد و مطالعه‌ی آن به‌همه‌ی پژوهشگران علوم رفتاری توصیه می‌شود.

### منابع

- کریمی، ایرج (۱۳۷۹). روانشناسی اجتماعی، تهران: ارسباران.
- چاپ هشتم. - میرسارو، طاهره (۱۳۷۹). فرهنگ جامعه‌شناسی، جلد اول، تهران: سروش.

## تصحیح

در شماره‌ی ۲-۶۱، صفحه‌ی ۱۰، به جای تصویر «چارلز تیلور»، تصویر دیگری چاپ شده بود که بدین وسیله از خوانندگان پوزش می‌طلبیم.



## آزادی خواهی تافرجم

محمد طیبیان

○ آزادی خواهی تافرجم (نگاهی از منظر اقتصاد سیاسی به تجربه ایران معاصر)  
○ محمد طیبیان - موسی غنی نژاد - حسین عباس علی کمر کام تو

○ ۱۳۸۰، ۲۲۰۰ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه

نویسندگان این کتاب قصد دارند به پرسش‌های اساسی ذیل پاسخ گویند: چرا کشور ما به رغم تلاش‌های بسیار نتوانسته است وارد جرگه کشورهای توسعه یافته شود؟ چرا تلاش‌های متعدد جهت استقرار حکومت قانون و... با شکست مواجه شده است؟ پاسخ آنان به پرسش‌های فوق عبارت است از فقدان مبنای فکری تمدن جدید در نزد اندیشمندان ایرانی یعنی اصالت فرد و

### آزادی

تمام تلاش نویسندگان در این کتاب اثبات این نظر و تبیین جایگاه و اهمیت فلسفه اصالت فرد در تمدن جدید است. به همین دلیل ابتدا برخی از نوشته‌های نویسندگان تجدیدطلب قبل و بعد از مشروطه را تحلیل می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که نگاه آنان به تمدن جدید یک نگاه ظاهری و سطحی است و حاکی از غفلت آنان از ریشه‌های فکری و معرفت‌شناختی توسعه و در نتیجه اشتباه در طرح مسئله تجدد به طرز کلی. سپس به تحلیل اقدامات رضاشاه و محمدرضاشاه می‌پردازند که تقلیدی از ظواهر عرب می‌باشد و به این نتیجه می‌رسند که استبداد قبیلگی و پدرسالارانه الگوی مسلط دوران ما است، الگویی که علی‌رغم تنوع حوادث سیاسی و ظهور اندیشه‌های گوناگون در تمامی این دوران قابل تشخیص باشد. سپس به تفاوت فلسفه قدیم و جدید در رابطه با انسان می‌پردازند از جمله اینکه دنیای قدیم مبتنی بر یک پارادایم کل‌گرایانه (یونیورسالیسم) بود اما دنیای مدرن مبتنی بر دیدگاه فردگرایانه (نومینالیسم) جزیی‌نگر می‌باشد. و اندیشه‌های کهن مبتنی بر ارزش‌های کل‌گرایانه و جمع‌گرایانه می‌بایند (فرد در خدمت جمع)، حال آنکه اندیشه‌های مدرن معتقد بر ارزش‌های فردگرایانه است. حق حیات، حق آزادی و حق مالکیت (حقوق بشر) یعنی جمع در خدمت تحقق خواسته‌های فرد به طور خلاصه ارزش‌های دوران مدرن عمدتاً با مفهوم فرد شناخته می‌شوند.

نویسندگان با اتکا بر این مبنا به تبیین نظام اقتصادی دوران مدرن می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که اندیشه‌ی اقتصادی جدید و علم اقتصاد به دنبال شکل گرفتن مفهوم فرد و حقوق فردی به وجود می‌آید و موتور محرک جامعه‌ی مدرن، مالکیت فردی است و دخالت دولت در بازار را موجب ناکارآمد شدن آن معرفی می‌کنند.

اندیشه‌های سوسیالیسم و راه سوم، (مدلی بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم) را از آن رو که شکست خورده معرفی می‌کنند. که درصدد تغییر ماهیت انسان هستند، حال آنکه این کار محال است. سپس به سازماندهی جوامع مدرن می‌پردازند و بهترین شکل آن را به این صورت بیان می‌کنند که اجازه داده شود هر فرد در چارچوب اخلاقی و قانونی به دنبال منافع شخصی خود باشد که البته در این صورت منافع جمعی هم تأمین خواهد شد و وظیفه دولت را تأمین کالاهای عمومی می‌دانند.

خلاصه اینکه به عقیده نویسندگان اصالت فرد مبنای تمدن جدید می‌باشد و تمام پیشرفت‌های زندگی جدید، حکومت، قانون، اقتصاد... بر این مبنا پی‌ریزی شده است و اندیشمندان ایرانی از این مبنای فکری غافل بوده‌اند.

هادی زاهدی غروی